

از گوشه و کنار

واگذاری نوزادان
از طریق سامانه فرزندخواندگی



معاون امور اجتماعی بهزیستی استان تهران گفت: هم اکنون ۳ هزار و ۷۰۰ خانواده متقاضی فرزندخواندگی هستند که بر اساس اولویت بندی، روند کار انجام می شود.

مهندس موقر گفت: یکی از سیاست های اصلی سازمان بهزیستی تسهیل فرآیند فرزندخواندگی است، که در این زمینه برنامه ها و طرح های خوبی پیش بینی شده است که از جمله می توان به راه اندازی سامانه فرزندخواندگی اشاره کرد.

وی تصریح کرد: هر چند سامانه اشاره شده در هفته های گذشته به دلیل عدم پشتیبان با قطع و وصل هایی مواجه بوده است اما خوشبختانه با تلاش هایی که صورت گرفته این سامانه پشتیبان پیدا کرده است و دیگر مشکلی نخواهد داشت.

معاون امور اجتماعی بهزیستی استان تهران با اشاره به این که تا امروز ۸ هزار نفر در سامانه فرزندخواندگی ثبت نام کرده اند، گفت: از این تعداد ۳ هزار و ۷۰۰ خانواده متقاضی فرزندخواندگی هستند و در نوبت قرار دارند.

وی گفت: اکثر این بچه ها کودکان بدسرپرست هستند و برخی از آن ها مشکلات پزشکی اعم از معلولیت دارند و قاعدتاً خانواده های کمتری برای سرپرستی آن ها اقدام می کنند.

سازمان بهزیستی تلاش می کند با توجه به تعداد خانواده های متقاضی، شرایط واگذاری بچه ها را تسهیل کند و در این زمینه از بروکراسی های اداری بکاهد.

هم اکنون ۴ شیرخوارگاه در سطح استان تهران فعال هستند که کودکان بی سرپرست و بدسرپرست را نگهداری می کنند. با تلاش های صورت گرفته در بهزیستی استان تهران، تعداد واگذاری کودکان به خانواده ها نسبت به سال گذشته افزایش یافته است که البته این روند باید ادامه پیدا کند.



تهرانی ها رکورد
دعوا وزد و خورد را شکستند!



آمار نزاع و دعوا در بین تهرانی ها افزایش یافته و وضع خشونت و درگیری در پایتخت هم چنان نگران کننده و روبه رشد است. چهار ماه از سال ۹۷ می گذرد و حالا مدیر کل پزشکی قانونی استان تهران آخرین آمارها از مراجعہ مردان و زنان ایرانی به مرکز پزشکی قانونی استان را در سه ماهه اول سال اعلام کرده است.

گزارش پزشکی قانونی نشان می دهد، در ماه های فروردین، اردیبهشت و خرداد امسال ۲۵ هزار و ۵ نفر به دلیل آسیب های ناشی از نزاع به مرکز پزشکی قانونی استان مراجعه کرده اند که این تعداد در مقایسه با مدت مشابه سال قبل که تعداد مراجعان نزاع ۱۶ هزار و ۴۹۹ نفر اعلام شده بود، ۲ درصد افزایش یافته است. بر اساس گزارش روابط عمومی اداره کل پزشکی قانونی استان تهران، از کل مراجعات به دلیل صدمات ناشی از نزاع در سه ماهه اول نخست امسال ۱۵ هزار و ۱۶۷ نفر مرد و ۹ هزار و ۱۳۸ نفر زن بوده اند. در ماه های فروردین، اردیبهشت و خرداد مراجعان نزاع به مراکز پزشکی قانونی استان تهران با ۲ درصد افزایش نسبت به مدت مشابه سال قبل اعلام شده است.

این گزارش حاکی است: طبق عدد وارقامی که پزشکی قانونی اعلام می کند، استان تهران رکورددار بیشترین نزاع و درگیری است و تهرانی ها در صدر جدول دعوا و زد و خورد قرار دارند. آمارهای سال گذشته سازمان پزشکی قانونی هم گویای آن است که در ۱۲ ماه سال ۹۶، در ایران ۵۴۴ هزار و ۴۷۰ نفر به علت نزاع به پزشکی قانونی مراجعه کرده اند که در این میان استان تهران با ثبت ۹۳ هزار و ۲۹۵ مورد رکورددار ثبت نزاع در کشور محسوب می شود.

برای بسیاری از ما، شنیدن
خبر زندانی شدن یک زن، به
اندازه کافی ناراحت کننده

هست، چرا که زن در جامعه
ماز حرمت و جایگاه ویژه ای
برخوردار است و همواره
سعی شده این حرمت،
هم در جایگاه دختر و زن و
به خصوص در جایگاه مادر،
به شدت حفظ شود

حیطه وظیفه آنان گنجانده نشده است. متأسفانه، آمار زنان خیابانی، در حال افزایش است و با وجود طرح «امنیت اخلاقی» نیروی انتظامی و دستگیری این زنان، هر روز بر تعداد آنان افزوده می شود. مشکلی با این ابعاد گسترده، نشان می دهد که تنها با دستگیری و حبس موقت، نمی توان آن را حل کرد و باید کار گروه های ویژه ای در این رابطه تشکیل شود و از سوی جامعه شناسان مورد آسیب شناسی قرار گیرد.

طرح کاهش آسیب
و ارتقای سلامت

یک متخصص بیماری زنان می گوید که با توجه به پروژه وزارت بهداشت به نام «طرح کاهش آسیب و ارتقای سلامت»، ۴ گروه هدف برای مراکز مختلف درمانی تعیین شد: زنانی که سابقه زندان دارند، زنانی که همسران شان به زندان افتاده، زنان خیابانی و زنانی که معتادان یا همسران شان اعتیاد دارند. این چهار گروه، شناسایی و مورد آزمایش های مختلف از نظر بیماری هایی مثل هپاتیت B و HIV قرار می گیرند. البته شناسایی و جذب این زنان، به خصوص زنان خیابانی، کار چندان آسانی نیست. چون آمار کم است و امنیت نمی کنند. در حالی که وظیفه ما تنها شناسایی بیماران و ارائه روش های درمانی یا روش های پیشگیرانه است. ناگفته نماند که در رابطه با زنان معتاد و نیز زنان خیابانی، NGO های مختلفی، به صورت خودگردان، وارد کار شده اند و در زمینه اطلاع رسانی، پیشگیری و درمان این زنان فعالیت می کنند. هر چند تعداد این نهادهای مردمی هنوز کم و حامیان مالی اندکی دارند، اما این خود یک گام بزرگ به جلوست. پزشکان، روان پزشکان و خبرینی هستند که با این نهادها همکاری می کنند و البته لازم است که در زمینه حضور فعال خود در بستر این ناسامانی های اجتماعی، اطلاع رسانی های وسیع تری بکنند. چرا که با آگاهی بیشتر از وجود و فعالیت چنین نهادهایی، زنان بیشتری، می توانند با اعتماد نسبت به حفظ امنیت خود، به آن ها مراجعه کرده و تحت حمایت قرار گیرند.

می شود. حالادر نظر بگیرید موقعیتی را که همین مادر سرپرست خانوار، به دلیل جرایم حقوقی و مدنی، زندانی هم بشود. در این حالت، گاه مادر به دلیل کوچک بودن فرزند یا فرزندانش، ناچار است آن ها را در زندان و در نزد خود نگه دارد. به این ترتیب ما با فرزندانی روبه روهستیم که کودک خود را بی آن که گناهی داشته باشند، در زندان سپری می کنند و طبعاً دچار مشکلات روحی - روانی و تربیتی خاصی می شوند.

«اطهره نژادی» معاون برنامه ریزی
و هماهنگی معاونت امور زنان و
خانواده در راست جمهوری

می گوید: در بازدید از زندان های کشور وضعیت زنان را مناسب ندیده است. مادران با جرائم غیر عمد، فرزندان خردسال را در کنار خود در زندان نگه می دارند، کودکانی که زندگی را فقط در چهار دیواری زندان به یاد می آورند. اطهره نژادی می گوید میانگین سنی زنان زندانی ۱۷ تا ۲۷ سال است. البته زنان با سنین بالاتر هم هستند. به تبع افزایش معضلات اقتصادی و اجتماعی، ورود زنان به بازار کار افزایش یافته و وقوع جرم در میان آنان افزایش یافته است. آنان اگر درگیر مسائل حقوقی و مدنی نشوند، به دلیل فقر مادی و فرهنگی، در دام اعتیاد و بزه های اخلاقی می افتند. اغلب این زنان و فرزندانشان، از اولین امکانات زندگی محروم اند و ناخواسته وارد باندهای مختلف تبهکاری های مالی، اخلاقی و یا مواد مخدر می شوند.

زنان ویژه و حمایت های
قانونی و اجتماعی

دومین علت حضور زنان در زندان، جرمی است که به آن عنوان «عمل منفی عفت» داده اند و از این زنان به عنوان زنان خیابانی و یا زنان ویژه، نام برده می شود. این زنان بین ۱۵ تا ۲۵ سال سن دارند. یک عضو مرکز مطالعات زنان در مورد این زنان معتقد است مهم ترین علت سقوط اخلاقی این زنان، نبود قوانین حمایتی مالی از آنان، پس از طلاق است. ضمن این که اغلب این زنان هیچ مهارتی ندارند و به سختی می توانند جذب بازار کار شوند. و در نتیجه، فقر اقتصادی در میان آنان شایع تر است و به دلیل سست بودن بنیان های اخلاقی و مذهبی، این زنان، وارد این چرخه معیوب می شوند؛ چرخه ای که مدام از زندان به خیابان و بالعکس ادامه می یابد و لازم است سازمان هایی مثل بهزیستی با نقش حمایتی و مهارت افزایی در مسائل این زنان وارد شود. البته اخیراً بحث ایجاد خانه های امن مطرح شده است؛ اما این خانه ها صرفاً زنانی را می پذیرند که درگیر خشونت خانگی هستند از سوی پدر، برادر یا همسر، و زنان خیابانی در

به تبع معضلات اقتصادی و اجتماعی، ورود زنان به بازار کار افزایش یافته و وقوع جرم در میان آنان افزایش یافته است. آنان اگر درگیر مسائل حقوقی و مدنی نشوند، به دلیل فقر مادی و فرهنگی، در دام اعتیاد و بزه های اخلاقی می افتند. اغلب این زنان و فرزندانشان، از اولین امکانات زندگی محروم اند و ناخواسته وارد باندهای مختلف تبهکاری های مالی، اخلاقی و یا مواد مخدر می شوند.



آذر فخری، روزنامه نگار

مشکلات هم هستند. این جزائاتی هستند که در سست همین جرم من را دارند، اما از سوی خانواده طرد و رها شده اند و هیچ کس به ملاقات شان نمی آید.



برای بسیاری از ما، شنیدن خبر زندانی شدن یک زن، به اندازه کافی ناراحت کننده هست، چرا که زن در جامعه ما از حرمت و جایگاه ویژه ای برخوردار است و همواره سعی شده این حرمت، هم در جایگاه دختر و زن و به خصوص در جایگاه مادر، به شدت حفظ شود. این اراج و حرمت و پاسداشت آن، ریشه در عرف و شرع ما، به یکسان دارد و اغلب افراد جامعه، به آن پای بندند. شاید به دلیل همین حرمت و ارج بسیار است که وقتی پای زنی به زندان بازی می شود، آن زن، به طور کلی از چشم می افتد. بی آن که در نظر گرفته شود که شاید علت زندانی شدن این زن، یک جرم غیر عمد در رابطه با چک و سفته و مسائل حقوقی و مدنی باشد. جرمی که می توان با تأمین و حمایت مالی، آن را به راحتی از دامن زن زدود و او را به خانه و خانواده اش بازگرداند. مدت خیلی زیادی از اجتماعی شدن زنان در ایران نمی گذرد. البته اجتماعی شدن به معنای ورود آنان به بازار کار و حضورشان در کنار مردان است. همین حضور کوتاه و کم سابقه، موجب شده که زنان، نسبت به برخی مسائل حقوقی و مدنی، یا خود بی توجه باشند و یا از سوی مسئولین و متولیان امر، در مورد آموزش این مسائل به زنان کوتاهی شده است. چنانچه تنها در چند سال اخیر است که می بینیم زنان نسبت به حقوق شغلی - اجتماعی و حتی خانوادگی خود آگاهی هایی به دست

آورده اند. آگاهی هایی که هنوز هم نیاز به روز آمد شدن دارد. یکی از مسائل عمده ای که زنان، خواسته یا ناخواسته، دانسته یا نادانسته، با آن درگیر می شوند مسائل حقوقی مربوط به چک و سفته و امضای برخی قراردادهاست، در حالی که اطلاعی در مورد تبعات و پی گردهای قانونی چنین امضایی ندارند و در نهایت درگیر چنبه قانونی چنین نا آگاهی هایی می شوند.



زنان بیشتر مراقب باشند!

سید اسدالله جولایی مدیر عامل ستاد دیده کشور درباره زنان محبوس در زندان های کشور که به خاطر جرایم غیر عمد پشت میله های زندان هستند، می گوید: ۹۵ درصد این زنان به خاطر صدور چک یا ضمانت دیگران و ۵ درصد باقی مانده نیز به خاطر وقوع حوادث کارگاهی و ناتوانی در پرداخت دیات ناشی از این حوادث، راهی زندان شده اند. جولایی در این رابطه، به مادرانی اشاره می کند که به خاطر ضمانت فرزندان شان، زندانی شده اند و به خاطر بدهی های سر به فلک کشیده فرزندان خود، متحمل حبس های طولانی می شوند و در این میان البته فرزندان آن ها متواری شده و مادران خود را رها و فراموش کرده اند. جولایی در این مورد تذکر می دهد که هر چند نباید فرهنگ اعتماد در بین مردم خدشه دار شود؛ اما بهتر است که به خصوص زنان، در مورد ضمانت همسایگان و فامیل و حتی فرزندان خود، احتیاط به خرج دهند و با افراد آگاه مشورت کنند. چون دیده شده که زنان، اطلاعات کمتری در این زمینه دارند و ناخواسته درگیر جرایم حقوقی

۹۵ درصد این زنان به خاطر
صدور چک یا ضمانت
دیگران و ۵ درصد باقی
مانده نیز به خاطر وقوع
حوادث کارگاهی و ناتوانی
در پرداخت دیات ناشی از
این حوادث، راهی زندان
شده اند

می شوند. جولایی می گوید در جرایم شبه عمد که شامل حوادث کارگاهی می شود، سعی شده که در رابطه با زنان، قاضی از محکومیت های جایگزین استفاده کند، طوری که زنی در این رابطه مجبور به تحمل حبس نباشد. اما در این مورد هم ورود خبرین برای پرداخت دیه، و حتی بدهی ها، لازم است تا بتوانیم زنان را از پشت میله های زندان به خانه های شان بازگردانیم.

افزایش زنان سرپرست خانوار
افزایش زنان زندانی!

به دلیل مشکلات اقتصادی حاکم بر جامعه، افزایش طلاق و در مواردی فوت همسر، تعداد زنان سرپرست خانوار، افزایش پیدا کرده و این زنان هر روز بیش از روز پیش، وارد بازار کار می شوند. در حالی که اطلاعات بسیاری اندکی در رابطه با مسائل حقوقی و مدنی خود و کاری که انجام می دهند دارند. اغلب این زنان، مادرانی هستند که برای تأمین معاش، ناچارند فرزندان خود را در خانه تنها بگذارند. فشار کار و نیز فشار چگونگی اداره فرزندان، باعث سردرگمی آنان و حتی گاه لغزش های اخلاقی ناخواسته هم در خودشان و هم در فرزندان شان

ضرورت فراگیری و آموزش خود مراقبتی به کودکان



فانزه نایج، دکترای روانشناسی عمومی

امروزه با توجه به افزایش آسیب های اجتماعی در بین کودکان و نوجوانان و اخبار مربوط به آزار و اذیت کودکان، جای خالی برنامه های مشخص از جمله «آموزش های خود مراقبتی» برای کاهش چنین آسیب های اجتماعی به شدت احساس می شود. در این نکته تردیدی نیست که متأسفانه در جامعه هنوز آنگونه که شایسته است و انتظار می رود به کودکان و حقوق حمایتی از آنان توجه جدی نمی شود. از اینرو واجب است از طریق آگاه سازی و آموزش های مناسب در جهت محافظت و پیشگیری از آزارهای جسمی و جنسی فرزندانمان گام برداریم تا آنان را در این زمینه واکسینه کنیم. متأسفانه نظام آموزشی کشور در خصوص این

موضوع دچار نقص و قصورهای متعددی است؛ هر چند آموزش و پرورش نقش کلیدی و خطیری را بر عهده دارد اما به دلیل آنکه دستگاه تعلیم و تربیت دارای نواقص و کم کاری های بیشتری است و تغییر و تحولات آموزشی در آن نیز تغییرات بنیادین را می طلبد، بنابراین در چنین شرایطی والدین باید با کمک مشاورین و متخصصین کارآموده برای حفظ و مراقبت از فرزندانشان به برنامه ریزی و اجرای فعالیت های پیشگیرانه و آموزش مهارت های از خود مراقبتی بپردازند و با اجرای برنامه های آموزشی توانمندساز جهت مصون ماندن فرزندانشان در برابر آسیب های اجتماعی قدم بردارند. در روانشناسی «خود مراقبتی» همان پیشگیری از طریق آموزش است؛ یعنی اینکه ما برای حفظ سلامت و شادابی خود آگاهانه و هدفمند کارهای روزمره ی کوچکی را برای خود، خانواده و یا دیگران انجام دهیم تا

زندگی سالمتر و بهتری را پیش رو داشته باشیم و به این ترتیب از سلامت جسمانی و روانی خود محافظت کنیم. «خود مراقبتی» به وضوح موجب افزایش کارایی و مهارت های فردی می شود؛ در واقع «خود مراقبتی» یکی از مهارت های مهم زندگی است که به کودکان و نوجوانان ماکم می کند تا مسیر زندگی را راحت تر و با خطرات و آسیب های اجتماعی کمتری سپری کنند و به همین ترتیب در صدمه و آسیب های روانی و روانشناسی و روانی مانگران توصیه می کنند تا تمامی والدین و اولیاء نسبت به آموزش های خود مراقبتی در فرزندانشان حساس باشند و در جهت بالابردن آگاهی فرزندانشان در این مسیر اهتمام ورزند. بر اساس تحقیقات و پژوهش های انجام شده روانشناسان اظهار دارند که «خود مراقبتی» دارای ابعاد و انواع مختلفی از جمله: خود مراقبتی جسمی، روانی، عاطفی و معنوی می باشد؛ به همین

ترتیب موضوع تربیت جنسی کودکان یکی از مهمترین مباحثی است که در حوزه خود مراقبتی مطرح می شود که واجب است والدین با راهنمایی مشاورین اطلاعات لازم دربارۀ مراقبت های جنسی و اجتماعی را به فرزندانشان آموزش دهند؛ آشنایی فرزندان با مکان های خصوصی بدنشان در خلال سال های اولیه زندگی کودک باید صورت پذیرد و از اینرو متخصصین روانشناسی در حوزه کودک و نوجوان بهترین سن برای آغاز چنین آموزش هایی را سن چهار یا پنج سالگی می دانند؛ والدین در حین آموزش مهارت های خود مراقبتی باید بر جملاتی از قبیل اینکه «هر فردی بخش هایی در بدن خود دارد که حریم خصوصی وی است و هیچ کس حق دست زدن به این بخش های بدن را ندارد» و همچنین «اگر فردی سعی کرده بدن تو نزدیک شود باید حتماً به پدر و مادر اطلاع دهی» تأکید کنند.

بر اساس مطالب ذکر شده متخصصین روانشناس معتقدند آموزش های فراگیری مهارت های «خود مراقبتی» برای کودکان بهتر است در قالب بازی و داستان سازی صورت گیرد؛

شیوه ی آموزش نباید به گونه ای باشد که سبب تحریک بیش از حد کنجکاوی کودکان شود و برای آنان اشتغالات ذهنی ایجاد کند. همچنین با توجه به مراحل تحولی - رشدی کودکان، اغلب آنان در بازه سنی سه تا چهار سالگی از روی کنجکاوی یا پرسش های در مورد جنسیتشان و مسایل جنسی وقت می گذرانند و در این دورۀ سنی اصرار بر محرمانه نگه داشتن بدنشان از دید دیگران را نیز دارند و از عریان بودن اندامشان در ملا عام احساس شرم می کنند؛ در همین راستا متخصصین حوزه روانشناسی به والدین توصیه می کنند تا این حالت را در حد طبیعی در کودکان و فرزندانشان تقویت کنند تا آنها در سنین بالاتر و در دوران نوجوانی و جوانی به بی پروایی جنسی کشیده نشوند. همچنین لازم است والدین بستری حمایتی و عاطفی را فراهم آورند تا گاه هر فرزندان با مساله یا مشکلی روبرو شدند بتوانند بدون ترس از تنبیه یا سرزنش شدن آن را با والدین و مراقبان خود در میان بگذارند تا از راهنمایی و حمایت آنان بهره مند شوند.